

جامعہ سیٹ

برنامہ کتاب فرانکلین در ایران

آموزش و جنگِ سردِ فرهنگی در خاورمیانه

مہدی گنجوی

ترجمہ زہرا طاہری



جامعہ سیاست

مجموعہ جامعہ و سیاست - ۲۴

انتشارات شیرازہ کتاب ما



سرشناسه	: گنجوی، مهدی، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: برنامه کتاب فرانکلین در ایران: آموزش و جنگ سرد فرهنگی در خاورمیانه / مهدی گنجوی؛ ترجمه زهرا طاهری.
مشخصات نشر	: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۰ ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱؛ س.م.
فروست	: جامعه و سیاست؛ ۲۴.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۴۶-۱۳-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: Education and the Cultural Cold War in the Middle East : عنوان اصلی : The Franklin Book Programs in Iran.
موضوع	: موسسه انتشارات فرانکلین (نیویورک)
موضوع	: Franklin Book Programs, inc
موضوع	: کتاب -- ایران -- صنعت و تجارت -- تاریخ -- قرن ۱۴ Book Industries and Trade -- Iran -- History -- 20th Century
شماره افزوده	: طاهری، زهرا، ۱۳۷۰ - مترجم
رده بندی کنگره	: Z450
رده بندی دیویی	: ۵۷۰۹۵۵/۰۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۰۲۶۶۷



برنامه کتاب فرانکلین در ایران
 آموزش و جنگ سرد فرهنگی در خاورمیانه
 نویسنده: مهدی گنجوی
 مترجم: زهرا طاهری
 انتشارات: شیرازه کتاب ما
 تیراژ: ۷۷۰ نسخه
 چاپ: پردیس دانش
 چاپ اول: فروردین ۱۴۰۲
 تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
 تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
 همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲
 سایت: www.shirazehketab.com

برنامه کتاب فرانکلین در ایران

آموزش و جنگِ سردِ فرهنگی در خاورمیانه

مهدی گنجوی

ترجمه

زهره طاهری

این کتاب ترجمه‌ای است از

*Education and the Cultural
Cold War in the Middle East
The Franklin Book Programs in Iran*

Mahdi Gandjavi

I.B. Tauris, London 2023

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۳	سپاسگزاری‌ها
۱۵	فصل اول: تاریخچه و گستره جغرافیایی این مطالعه
۲۵	منابع اولیه و جمع‌آوری داده‌ها
۳۰	چهارچوب نظری
۳۷	ساختار کتاب

فصل دوم: تاریخ جهانی برنامه کتاب فرانکلین: ترجمه، انتشار و بخش

۳۹	کتاب در دوران جنگ سرد
۴۴	برنامه کتاب فرانکلین: ریشه اولیه، سیاستگذاری‌ها و ساختار
۵۹	دسته‌بندی عناوین کتاب‌ها و فرایند انتخاب عناوین
۶۶	نام مدیران و شعبه‌های مختلف برنامه کتاب فرانکلین

فصل سوم: تاریخچه و تکامل برنامه کتاب فرانکلین در سطح جهانی

۷۳	(۱۹۵۲-۱۹۷۷)
۷۴	سال‌های ابتدایی فعالیت و موقعیت برنامه کتاب فرانکلین (۱۹۵۲-۱۹۵۶)

۸۴	 سال‌های توسعه و موفقیت (۵۶-۱۹۵۵)
۹۳	 گذار از برنامه ترجمه به کارهای آموزشی (۱۹۶۸-۱۹۵۶)
۱۱۳	 بازتعریف برنامه کتاب فرانکلین به عنوان برنامه جهانی توسعه آموزشی (۱۹۶۸-۱۹۷۵)
۱۳۰	 سال‌های افول (۷۷-۱۹۷۵)

فصل چهارم: تاریخچه برنامه فرانکلین در ایران: زمینه‌های اجتماعی، شروع

۱۳۵	 به کار فرانکلین و برنامه‌های ترجمه معین
۱۳۶	 رقابت شوروی و ایالات متحده در طول جنگ سرد و نقش دولت ایران
۱۳۹	 تعاملات آموزشی و فرهنگی شوروی و ایران
۱۴۷	 تعاملات آموزشی و فرهنگی میان ایران و ایالات متحده
۱۵۳	 شعبه تهران برنامه کتاب فرانکلین: تأسیس و توسعه
۱۶۴	 شعبه تهران و صنعت نشر در ایران
۱۷۲	 برنامه ترجمه معین

فصل پنجم: تاریخچه برنامه کتاب فرانکلین در ایران: طرح‌های ویژه

۱۸۱	 آموزشی، واکنش‌ها به کارهای شعبه تهران و انحلال
۱۸۳	 تولید و انتشار دایرةالمعارف فارسی
۱۸۶	 توسعه چاپخانه اُفت
۱۸۸	 توزیع انبوه در بازار کتاب ایران: پروژه انتشار کتاب‌های جیبی
۱۹۱	 کارگاه ناشران
۱۹۲	 روند توسعه کارخانه کاغذسازی پارس
۱۹۳	 کتاب‌های درسی افغانستان
۱۹۷	 کمک به تأسیس چاپخانه وزارت آموزش و پرورش افغانستان
۱۹۹	 کتاب‌های درسی ایران
۲۰۹	 کتاب‌های کودک و مجلات پیک
۲۱۳	 تاریخ مختصر انتشار و توزیع مجموعه مجلات پیک

۲۱۴	 مرکز انتشارات آموزشی
۲۲۳	 مروری بر مفاهیم آموزشی و موضوعات مجله‌های پیک
۲۲۸	 ارتباط با سازمان‌های آموزشی
۲۳۱	 رویارویی با شعبه تهران: مورد جلال آل احمد
۲۴۰	 انحلال شعبه تهران
۲۴۵	 فصل ششم: نتیجه‌گیری: جنگ سرد، تولید دانش و خاورمیانه
۲۵۷	 کتاب‌شناسی
	 پیوست اول: اسامی افراد بومی و رهبران فکری فعال در برنامه کتاب
۲۷۱	 فرانکلین (بر اساس گزارش سالیانه ۱۹۶۰ میلادی)
	 پیوست دوم: فهرست برخی کتاب‌های انتشارات فرانکلین در شعبه‌های
۲۷۷	 تهران و تبریز
۳۰۵	 فهرست اعلام

1877

1877

1877

1877

1877

1877

1877

1877

1877

یادداشت دبیر مجموعه

زمانی که پس از پایان جنگ جهانی دوم، جهان به صحنه رویارویی و رقابت دو ابر قدرت وقت، یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد، ایران که با امتناع ارتش سرخ در خروج از آذربایجان، خود در مقام یکی از اولین قربانیان این رویارویی ظاهر شده بود، با یک صورت جدید از پدیده‌ای مواجه گشت که دست کم از یک قرن پیش با آن آشنا بود یعنی تبدیل شدن کشور به میدان رقابت قدرت‌های جهانی. در عمل از میانه قرن نوزدهم میلادی، درگیر شدن در این رقابت و رویارویی، روالی آشنا برای ایرانیان شده بود و اتخاذ رشته تدابیری برای حفظ منافع کشور در این میانه، بخشی جدایی ناپذیر و گاه تعیین کننده در سیاست کشور. اکنون بار دیگر این پدیده در شکلی جدید ظهور کرده بود. با اینهمه به نظر می‌رسد که نظر به مجموعه‌ای از تجارب سیاسی و تغییرات اجتماعی در کشور در فاصله یک قرن که این دور جدید را از ادوار پیشین جدا می‌کرد، این رقابت بر زمینه‌ای شکل گرفت که با زمینه رقابت‌های ادوار پیشین تفاوتی جندی داشت. تفاوتی که مهم‌ترین وجه آن گسترده شدن طبقات و گروه‌های اجتماعی‌ای است که اینک می‌توانستند در تعیین تکلیف مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور ایفای نقش کنند. انقلاب مشروطه ایران - هر چند از آن بیشتر به عنوان تجربه شکست خورده یاد می‌شود - اولین نشانه پیدایش این تغییر و تحول بود و برنامه‌اش برای برپایی دولت مدرن - هرچند که اجرای آن به صورتی ناقص و

توسط نیرویی خودکامه به اجرا درآمد؛ اما در نهایت زمینه‌ساز شتاب گرفتن آن تغییر و تحول گردید. شتابی که تبعاتش را می‌شد پس از جمع شدن بساط استبداد پس از شهریور ۱۳۲۰، در شکل‌گیری احزاب و سازمان‌های مختلف سیاسی‌ای دید که رقابت‌شان برای جلب نظر و حمایت این طبقات و گروه‌های اجتماعی جدید خود آشکارترین نشانهٔ اجتناب‌ناپذیر بودن حرکت رو به جلوی تعمیم فاعلیت بود به شمار فزاینده‌ای از جمعیت شهرنشین و تحصیلکردهٔ کشور. جمعیتی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد و تعطیل شدن احزاب و سازمان‌های سیاسی اکنون تأثیرگذاری بر آنها هدف رقابت دو ابرقدرت در دورانی شد که به جنگ سرد شهرت یافت.

به عبارت دیگر اگر در ادوار نخست تبدیل شدن ایران به صحنهٔ رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی، تلاش و کوشش این قدرت‌ها بر تأثیرگذاری و جلب نظر و حمایت تعداد انگشت‌شماری از رجال و سردمداران کشور تمرکز داشت، اینک این تلاش باید اهمیت تأثیرگذاری بر این جمعیت روزافزون شهرنشین و تحصیلکرده را نیز شناسایی می‌کرد. اتحاد جماهیر شوروی علاوه بر برخورداری از اهرم حزب توده با تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی پس از اشغال ایران توسط متفقین که شعبات متعددی در تبریز و مشهد و گرگان و اصفهان گشود در این زمینه از فضل تقدم برخوردار بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سوگیری هیئت حاکمهٔ ایران به سمت آمریکا، این فرصت برای رقیب آمریکایی نیز فراهم آمد تا با راه‌اندازی برنامهٔ کتاب فرانکلین در ایران در کنار مجموعه‌ای از دیگر تلاش‌های فرهنگی در همین مسیر گام بردارد. برنامه‌ای که در چارچوب کلی نظریهٔ مدرنیزاسیون طراحی شده بود و موفقیت‌هایی نیز در سایر کشورهای خاورمیانه به‌دست آورده بود.

درست که تعمیم فاعلیت به شمار فزاینده‌ای از جمعیت شهرنشین و تحصیلکردهٔ کشور دلیل اصلی تغییر روش‌های مداخله و رقابت قدرت‌های بزرگ در ایران بود اما این گسترش فاعلیت همزمان بدین معنا نیز بود که این فاعلان جدید سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جدید نیز این امکان را داشتند تا هر یک به نوعی در این رقابت‌ها مداخله کنند و از جمله برنامهٔ کتاب فرانکلین را امکانی به‌شمار آوردند برای تحقق بخشی از خواسته‌های خویش به‌ویژه در حوزهٔ فرهنگ و جامعه. در

عمل آن اقشار و گروه‌های اجتماعی شهرنشین و تحصیلکرده، برنامه کتاب فرانکلین را همچون مجالی دیدند برای تبدیل حوزه محدود نشر کشور به صنعتی که بتواند سطح توقع گروه قابل ملاحظه‌ای از علاقمندان به کتاب را برآورده سازد. گروهی دیگر از این تازه‌واردان این برنامه را مهلتی برای پیمودن پله‌های ترقی در نظامی یافتند که به دلیل ضعف نهادهای مدنی و اجتماعی و انسداد فضای سیاسی فرجه محدودی را برای تغییر در جایگاه اجتماعی افراد در اختیار می‌گذاشت. دیگرانی نیز بیشتر با سوءظن نسبت به فعالیت‌ها نگرسته و از در انتقاد آمدند. البته سلطنت استبدادی نیز فقط در جایگاه تماشاگر برنامه کتاب فرانکلین باقی نماند و شبکه‌سازی‌های آن را فرصت جدیدی به‌شمار آورد برای بسط حوزه نفوذش به دورترین مناطق کشور و رخنه بر اذهان دانش‌آموزان و خانواده‌های‌شان.

در مجموع تجربه برنامه کتاب فرانکلین که وجوه متعدد فعالیتش در ایران مفصلاً و با ذکر جزئیات فراوان در این کتاب شرح و بسط داده شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، داده‌ها و بصیرت‌های معتبری را در اختیار می‌گذارد برای بازبینی و بازاندیشی نقش نیروهای مختلف اجتماعی و فرهنگی و سیاسی داخلی و خارجی در شکل‌دهی به جامعه ایران در فاصله کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب اسلامی ۵۷.

مراد ثقفی

سپاسگزاری‌ها

این کتاب ماحصل یک سفر فکری است، محصول هشت سال مطالعه در زمینه بررسی نظام تولید دانش در عصر جنگ سرد. چنین اتفاقی میسر نمی‌شد مگر با همکاری و مساعدت شمار زیادی از افراد. سال‌ها پیش، محمود دقاقی، کتابدار و دوست قدیمی صنعتی‌زاده، من را با شعبه تهران برنامه کتاب فرانکلین آشنا کرد. یک دهه پس از این آشنایی، وقتی دانشجوی رشته مطالعات خاورمیانه و نزدیک در دانشگاه تورنتو شدم، کار پژوهشی خود را در مورد فعالیت‌های شعبه تهران آغاز کردم. محمود دقاقی بار دیگر منابع فارسی زبان را به من معرفی کرد تا کار خود را راحت‌تر پیش ببرم.

دکتر امیر حسن‌پور باعث شد که فهم نظری من از مفهوم امپریالیسم و درک تاریخی‌ام از دوره جنگ سرد عمیق‌تر شود. من در انجام پژوهشی در مورد جنبش دهقانان گرد در دهه ۱۳۳۰ به امیر حسن‌پور کمک کردم و همین کار باعث شد که روش انجام تحقیقات آرشیوی را بیاموزم.

از این اقبال برخوردار بودم که با بعضی از اعضا و کارمندان سابق برنامه کتاب فرانکلین صحبت کنم. باید از تام ریکس و مهدخت صنعتی‌زاده تشکر کنم که نظرات خود در مورد شعبه تهران را با من در میان گذاشتند. دکتر هیمانی بزرگی^۱

آنجلا میلز^۱ و کانیشکا گونواردنا^۲ نسخه‌های ابتدایی اثر حاضر را مطالعه کردند و با نظرات خود به بهبود این کتاب کمک کردند. فرشته مولوی و دکتر امیر کلان کمک کردند تا نتایج ابتدایی کار خود را ارائه دهم. سعید چوبک و بلیر کونتز^۳ در دستیابی به منابع و بایگانی‌های این پژوهش کمک کردند. باید از استفان دابسون^۴ نیز تشکر کنم که نسخه نهایی این کتاب را خواند و با نظرات خود به بهتر شدن محتوای نهایی عرضه شده کمک کرد.

این کتاب نتیجه رساله دکتری من در دپارتمان مطالعات آموزش دانشگاه تورنتو است. در اینجا باید از استاد راهنمای خود، شهرزاد مجاب تشکر کنم. همچنین محمد توکلی ترقی، عزیز چودری^۵، آشین متین‌عسگری و جیمی مگنوسن^۶ در فرایند داوری این رساله نقش داشتند. نظرات دکتر مجاب و حمایت‌های فکری و معنوی او در فرایند نوشتن این کار بسیار مؤثر بود. دکتر توکلی ترقی کمک کرد تا بتوانم فعالیت‌های شعبه تهران را در بستر نزاع ایالات متحده و شوروی در جریان جنگ سرد درک کنم. دکتر چودری با ذهنی درخشان و نظرانی الهام‌بخش به من یاری رساند تا برنامه کتاب فرانکلین را در چهارچوب فعالیت‌های فرهنگی و دانش تولیدشده توسط ایالات متحده در دوران جنگ سرد تحلیل کنم. خبر درگذشت او در آخرین روزهای نگارش این کتاب بسیار تأثیر انگیز بود. همچنین باید از تمام کسانی که این کتاب را خوانده و نظرات خود را اعلام کرده‌اند، تشکر کنم.

در نهایت، به اتمام رساندن این پژوهش بدون همراهی‌های مهربان منسوری ممکن نمی‌شد. همچنین باید از محمد و پروین، پدر و مادرم، و علی و انیس، پدر و مادر همسرم، تشکر کنم.

1. Angela Miles
2. Goonewardena
3. Blair Kuntz
4. Stephan Dobson
5. Aziz Choudry
6. Jamie Magnusson

تاریخچه و گستره جغرافیایی این مطالعه

این کتاب به بررسی فعالیت‌های «برنامه کتاب فرانکلین» (۱۳۵۶-۱۳۳۱) در زمینه‌های چاپ، صنعت نشر، ترجمه، تألیف کتاب‌های مرجع و سیاستگذاری‌های آموزشی در خاورمیانه می‌پردازد، البته با نگاهی ویژه به ایران. برنامه کتاب فرانکلین یک سازمان آمریکایی خصوصی و غیرانتفاعی بود که در سال ۱۳۳۱ در بحبوحه جنگ سرد تأسیس شد. نهادهای دولتی و برخی از شرکت‌های خصوصی ایالات متحده در شکل‌گیری این برنامه و حمایت مالی از آن نقش داشتند. هدف اولیه این برنامه‌ها، ترویج و اشاعه ارزش‌های بورژوازی لیبرال از طریق ترجمه کتاب‌های آمریکایی و همچنین ایجاد بازارهای مناسب برای این آثار در کشورهای «جهان سومی»^۱ بود.^۲ اگرچه هدف اولیه این برنامه، صدور ارزش‌های آمریکایی برای رقابت با نفوذ سوسیالیسم شوروی بود، اما به تدریج به یک برنامه توسعه بین‌المللی آموزش تبدیل شد که به چاپ کتاب‌های درسی و متون کمک آموزشی برای مدارس و دانشگاه‌ها نیز پرداخت.^۳ به این ترتیب، برنامه کتاب فرانکلین به یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی در دوره جنگ سرد با تمرکز جهانی بر تهیه

۱. باید اشاره کرد که اصطلاح «جهان سوم» در ژئوپلیتیک جنگ سرد و همچنین در تفسیر نظام بین‌المللی

در قالب جهان مرکز در مقابل جهان پیرامونی ریشه دارد. اگرچه این اصطلاح اشکالاتی دارد اما کاربرد

آن در این نوشته فقط با هدف انعکاس روابط قدرت در دوره تاریخی مورد نظر انجام می‌شود.

2. Robbins, 2007.

3. Laugesen, 2012.

محتواهای آموزشی تبدیل شد که فعالیت‌هایش از امور مختص به ترجمه تا امور توسعه مؤسسات چاپ و انتشار و کتابفروشی را شامل می‌شد. به علاوه، این سازمان معلمان محلی را آموزش می‌داد تا بتوانند کتاب‌های درسی را بنویسند. همچنین، هزینه انتشار کتاب‌های ابتدایی در کشورهای جهان سوم را با هدف پرورش مهارت خواندن در کودکان، نوجوانان، جوانان، والدین، معلمان و نوآموزان نیز تأمین می‌کرد.

ضمن بررسی اسناد و تحلیل تاریخی تأثیرات بین‌المللی برنامه کتاب فرانکلین (۱۳۵۶-۱۳۳۱) در زمینه صنعت چاپ و انتشار کتاب و سیاست‌گذاری‌های آموزشی در خاورمیانه، این کتاب مناسبات فیما بین امپریالیسم، دولت و نظام تولید دانش را نیز مورد کاوش قرار می‌دهد. این کتاب با اتخاذ رویکردی تاریخی و اجتماعی به بررسی و تاریخی‌سازی کارکردهای ایدئولوژیکی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی امپریالیسم در خاورمیانه می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه اقدامات این برنامه، از صنعت چاپ و ترجمه گرفته تا تولید و توزیع گسترده کتاب‌های بورژوایی لیبرال، سوادآموزی و تولید محتواهای کمک‌آموزشی، همگی در امتداد سایر سیاست‌های ضدکمونیستی آمریکا در دوران جنگ سرد قرار می‌گیرند. در ایران، توزیع گسترده این آثار از حمایت مادی و معنوی حکومت پهلوی برخوردار بود، حکومتی که طرفدار سیاست‌های ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد. با تاریخی‌سازی تأثیرات برنامه کتاب فرانکلین در ایران که با حمایت حکومت پهلوی انجام می‌شدند، این مطالعه در حوزه مفهوم‌سازی مارکسیستی از امپریالیسم، دولت و نظام تولید دانش ادای سهم می‌کند.

در این پژوهش، یک بازه زمانی بیست و پنج ساله، از سال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۵۶، مورد واکاوی قرار گرفته است، یعنی از زمان تأسیس برنامه کتاب فرانکلین در ایالات متحده تا زمانی که این برنامه به دلیل کمبود منابع مالی خاتمه یافت. این برنامه در بستر برنامه‌های آموزشی گسترده‌تر ایالات متحده در سراسر جهان و توسعه آن طی دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ شمسی بررسی شده است. این امر مستلزم بررسی آن نقشی است که برنامه‌های حمایتی آموزشی و فنی در سیاست ایالات متحده ایفا می‌کردند، آن هم در زمانی که شکست فاشیسم در پایان جنگ جهانی

دوم به اتحاد راهبردی موجود میان متفقین خاتمه داده بود. این پژوهش تاریخی، به مطالعه سه دهه نزاع دولت‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی طی دوران جنگ سرد و نمودهای فرهنگی و ایدئولوژیکی چنین منازعه‌ای در سطح جهانی می‌پردازد.

برنامه کتاب فرانکلین در طول فعالیت‌های خود در هفده کشور در خاورمیانه، آسیا و آمریکای لاتین فعالیت داشت. هدف کلی این برنامه در تمام طرح‌های بین‌المللی فرهنگی و آموزشی‌اش یکسان بود، اما شیوه، گستره و مدت‌زمان طرح‌های آن در مناطق مختلف از برخی جهات تفاوت داشت. این سازمان به مدت بیست‌وپنج سال در خاورمیانه فعالیت داشت و برای پیشبرد طرح‌هایش چندین دفتر محلی تأسیس کرد، مانند شعبه قاهره (۱۳۵۶-۱۳۳۱) و شعبه تهران (۱۳۳۲-۱۳۵۶). بخش آمریکای لاتین آن اما فقط پنج سال (۱۳۴۷-۱۳۴۲) فعالیت داشت. این سازمان هرگز در آمریکای لاتین دفتر نداشت، اما طرح‌هایش را از طریق سازمان‌های مرتبط در بوئنوس آیرس، ریو دو ژانیرو، سائوپائولو و فن‌یکوسیتی دنبال می‌کرد. به علاوه، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش ایران، مصر، پاکستان و افغانستان در زمینه‌های مختلف همکاری نزدیکی با شعبه‌های محلی این سازمان داشتند. دولت‌های ایران و افغانستان نیز هزینه برخی از طرح‌های این سازمان را تأمین می‌کردند. چنین حمایتی در آمریکای لاتین اتفاق نیفتاد و منابع مالی لازم برای برنامه کتاب فرانکلین در این کشورها صرفاً از طریق کمک‌های سازمان‌ها و بنیادهای غیرانتفاعی، به‌ویژه بنیاد دبلیو. کی. کلوگ^۱، تأمین می‌شد.

این کتاب به‌طور مشخص بر فعالیت‌های برنامه کتاب فرانکلین در ایران تمرکز دارد، همان شعبه‌ای که علی‌الظاهر موفق‌ترین و متنوع‌ترین فعالیت‌ها را به انجام رسانده است.^۲ گرچه در این مطالعه به دوران جنگ سرد و بسترهای تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیکی برنامه کتاب فرانکلین توجه شده، اما قرار نیست که این کار یک تاریخی‌سازی دقیق و مملو از جزئیات از دوران جنگ سرد باشد و نقطه تمرکز آن همچنان فعالیت‌ها و اقدامات برنامه کتاب فرانکلین است. به همین سیاق، بنا وجود آنکه فعالیت‌های این سازمان و روابط و همکاری‌هایش با صنعت چاپ و

1. W.K. Kellogg

2. Smith, 2000.

وزارت آموزش ایران در این پژوهش تاریخی سازی شده، اما نباید آن را یک تاریخ نگاری گسترده از چاپ و انتشار کتاب و آموزش مدرن در ایران قلمداد نمود. منطقه خاورمیانه به واسطه برخورداری از منابع عظیم هیدروکربنی از میانه قرن بیستم بدل به یکی از مناطق تعیین کننده و حیاتی در اقتصاد جهانی شده است. بر این اساس، جدال برای تسلط بر این منطقه، موضوع مناقشه ای دیرپا در عرصه نزاع جهانی بوده است.^۱ با آنکه از ابتدای ظهور امپریالیسم در اواخر دهه ۱۲۵۰ شمار زیادی از کشورهای خاورمیانه تحت نفوذ قدرت های بین المللی قرار گرفته بودند، اما بعد از جنگ جهانی دوم بود که بر اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه افزوده شد. با پایان این جنگ، جهان شاهد «جهشی بزرگ در نتیجه جهانی شدن سرمایه» بود.^۲ این روند به افزایش چشمگیر مصرف انرژی منجر شد. مجموعه ای از اکتشافات و حفاری ها در دهه های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ آشکار ساخت که خاورمیانه دارای بزرگ ترین، ارزان ترین و قابل دسترس ترین منابع هیدروکربنی در جهان است.^۳ همین موضوع بر اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه در دوران جنگ سرد افزود. از اوایل دوره جنگ سرد، سیاست ایالات متحده در خاورمیانه در راستای اهداف مشخصی تمرکز یافت: مهار نفوذ و پیشروی شوروی و حفظ توازن قدرت در منطقه. با این حال، این منطقه بسیار مهم، فاقد زیرساخت های لازم برای توزیع گسترده کتاب بود و در نتیجه، بسیاری از مناطق آن تماماً از هر نوع کتاب، آموزش و تأثیر فرهنگی آمریکایی به دور مانده بود.

با پایان جنگ جهانی دوم و تشدید تضاد میان بلوک های سرمایه داری و سوسیالیستی، ایران، به عنوان همسایه جنوبی اتحاد جماهیر شوروی، بدل به حساس ترین کشور خاورمیانه برای سیاست تحدید [نفوذ کمونیسم] آمریکا شد. در سال ۱۳۳۲، سازمان سیا که نگران اقدامات جنبش ملی شدن نفت در ایران بود، از کودتا علیه نخست وزیر ملی گرای ایران، دکتر محمد مصدق، حمایت کرد. متعاقباً، نظام برآمده از کودتا، احزاب سیاسی ملی گرا و چپگرا را سرکوب کرد و به تدریج

1. Hanieh, 2013.

2. Ibid., p.20.

3. Ibid., p.21.

نظام آموزشی ایران را همراستا با ساختار آموزشی و برنامه درسی ایالات متحده به عنوان بخشی از یک اصلاح آموزشی دولت بنیان از نو شکل داد و توسعه بخشید. اقداماتی که به طور رسمی تحت عنوان «اصلاح آموزشی» مورد تمجید قرار می گرفتند. شعبه تهران برنامه کتاب فرانکلین نیز با فعالیت های خود در حوزه آموزش و انتشار کتاب، سهم غیر قابل انکاری در این «اصلاحات آموزشی» ایفا کرد.^۱ شعبه تهران بیش از هشتصد عنوان کتاب را به فارسی ترجمه و از تأسیس بزرگ ترین چاپخانه در خاورمیانه به سال ۱۳۳۶ پشتیبانی کرد، چاپخانه ای که کتاب های درسی کلاس های اول تا چهارم دبستان را در فاصله سال های ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۶ منتشر می کرد. این شعبه همچنین با وزارت آموزش و پرورش ایران در خصوص چاپ و انتشار گسترده ترین نشریات آموزشی آن زمان که «پیک» خوانده می شدند نیز همکاری داشت. در گزارش های داخلی برنامه کتاب فرانکلین آمده که «رؤیای مؤسسه آن است که موفقیت «بی نظیر» شعبه تهران را در سایر شعب کشورهای در حال توسعه تکرار کند. برای تحلیل همین موفقیت بی نظیر است که این مطالعه دست به تحلیل مواردی چون اهمیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و ایران، سیاست تحدید نفوذ ایالات متحده علیه شوروی و تاریخ روابط ایران و آمریکا در دوران جنگ سرد زده است.

علیرغم فعالیت های برنامه کتاب فرانکلین در هفده کشور در قاره های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین طی بیست و پنج سال (۱۳۳۱-۱۳۵۶)، هنوز هیچ پژوهش گسترده ای در مورد ارزیابی تأثیرات آن در سطح جهانی بر توسعه برنامه های سوادآموزی، نوسازی صنعت چاپ، انتشار کتاب و ترجمه آثار نویسندگان آمریکایی انجام نگرفته است. ارزیابی انتقادی فعالیت های برنامه کتاب فرانکلین می تواند در حوزه های مرتبط با تاریخ و فرهنگ نشر، مطالعات امپریالیسم فرهنگی، آموزش تطبیقی در جهان، مطالعات جنگ سرد و تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران مدرن به طور میان رشته ای ادای سهم نماید. با این حال، گستره مطالعات دانشگاهی موجود در مورد برنامه کتاب فرانکلین هم از منظر مطالعات آرشیوی و هم از منظر

تحلیلی محدود می‌باشد. به استثنای کار الرباعی^۱، مقالاتی که در مورد برنامه کتاب فرانکلین نوشته شده‌اند عمدتاً در مطالعه گزارش‌های سالیانه مدیران آن متوقف مانده‌اند و به مطالعه آن بایگانی‌ها و اسنادی نپرداخته‌اند که بر گستره و پیوند عمیق موجود میان روابط این سازمان با وزارت خارجه دولت آمریکا از یک‌سو و برنامه‌های عقیدتی و روانشناختی این برنامه از سوی دیگر پرتو می‌افکنند.

در این کتاب، تاریخچه فعالیت‌های برنامه کتاب فرانکلین در ایران بررسی و با استفاده از منابع مختلف به سیاست «دیپلماسی فرهنگی» آمریکا در دوران جنگ سرد پرداخته می‌شود. این منابع، بایگانی‌های این سازمان، مصاحبه‌های منتشرشده با مدیران و کارکنان شعبه تهران، صحبت‌ها و خاطرات کارکنان آن، بایگانی‌های سازمان سیا و بایگانی‌های سازمان امنیت در کتابخانه دانشگاه جورج واشنگتن را شامل می‌شوند. باید اشاره کرد که به منظور بررسی شعبه تهران، تحقیقات انتقادی گسترده‌ای روی اسناد برجای‌مانده از «سازمان اطلاعات و امنیت ایران» در دوره پهلوی دوم (ساواک) و همچنین بایگانی‌های باقی‌مانده از سفارت آمریکا در ایران صورت گرفته به امید آنکه «دیپلماسی فرهنگی» دولت‌های جبهه سرمایه‌داری و سوسیالیست در دوران جنگ سرد شناسایی شوند. مطالعه این اسناد از حیث دیگری نیز سودمند است، اینکه چگونه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی این دولت‌ها در زمینه تولید دانش، گاهی مورد پذیرش و حمایت دولت ایران و سازمان‌های امنیتی آن قرار می‌گرفتند و گاهی نیز با موانع جدی روبه‌رو می‌شدند.

چارچوب تحلیلی اکثر متون تولیدشده در مورد برنامه کتاب فرانکلین^۲، عمدتاً توسط خود سازندگان این برنامه توسعه پیدا کرده است. در واقع، آنها برنامه کتاب فرانکلین را از منظر گفتمان و چارچوب تحلیلی نظریه مدرنیزاسیون بررسی کرده‌اند و موفقیت‌های این برنامه را از طریق بازگ کردن آمار و اطلاعات گزارش‌شده توسط مدیران ارشد و محلی ستوده‌اند. برای نمونه، دی‌تس سی. اسمیت^۳، اولین مدیر عامل برنامه کتاب فرانکلین، چهار مقاله در مورد آن نوشته است. در دو مقاله

1. Arrabai (2019).

2. Smith, 1956; Smith, 1963; Hemphill, 1964; LeClere, 1973; Filstrup, 1976; یادگار، ۱۳۵۸; Smith, 1983; Smith, 2000.

3. Datus C. Smith

به سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۶۲، او به توصیف و توضیح این برنامه پرداخته است و در دو مقاله (۱۳۴۲ و ۱۳۷۹) وضعیت شعبه تهران را بررسی کرده است. اسمیت در مقاله‌ای با عنوان «ده سال از انتشارات فرانکلین»^۱، ساختار و تاریخچه این مؤسسه را در تهران، بدون پرداختن به واکاوی‌های تاریخی مورد نیاز در مورد تاریخ اجتماعی ایران، وضعیت ژئوپلیتیک جنگ سرد و روابط ایران و ایالات متحده، بررسی کرده است. در نتیجه، جای تعجب نیست که چرا تحلیل او از توضیح دلایل موفقیت مالی و کارآمدی شعبه تهران در قیاس با سایر شعبه‌ها ناتوان است. این مقاله بیش از آنکه بررسی دانشگاهی و تحلیلی باشد، گزارشی تبلیغاتی محسوب می‌شود. اسمیت همچنین مدخلی را در مورد برنامه کتاب فرانکلین برای *دانشنامه ایرانیکا* در سال ۲۰۰۰ نوشت. این واقعیت که این مدخل را رئیس این نهاد نوشته است، عینیت تحقیقاتی آن را دچار تردید می‌کند.

روث آر. همفیل^۲ (در سال ۱۹۶۴ میلادی) پایان‌نامه ارشد خود را در مورد تأثیر برنامه کتاب فرانکلین در گسترش کتابخوانی در خاورمیانه و جنوب آسیا در بازه زمانی ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۲ نوشت. مطالعه او روایتی توصیفی از فعالیت‌های برنامه کتاب فرانکلین به عنوان ابزار مدرنیزاسیون است. منابع همفیل در این مطالعه، مکاتبات او با کارمندان برنامه کتاب فرانکلین در نیویورک و تهران است. او در این مطالعه به نقش برجسته برنامه کتاب فرانکلین در نوسازی کشورهای جهان سوم، اشاره می‌کند و آن را می‌ستاید. شعبه تهران در سال ۱۳۵۲، کتابی را از لوکلیر با عنوان *بیاید همه در جهان کتاب سهیم باشیم*^۳، منتشر کرد که در واقع گزارشی توصیفی از موفقیت‌های شعبه تهران است که در چارچوب نظریه مدرنیزاسیون نوشته شده است. مقاله دیگری نیز در سال ۱۹۷۶ توسط ج. م. فیلستروپ در مورد برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های این مؤسسه در ایران نوشته شد. در این مقاله از اهمیت «اصلاحات آموزشی» شاه سخن گفته شده و از برنامه کتاب فرانکلین به عنوان یکی از ابزارهای اصلی این فرایند یاد شده است.^۴ این مقاله از همیان محدودیت‌های

1. Ten years of Franklin Publications

2. Ruth R. Hemphill

3. LeClere, *Let Us All share in the World of Books* (1973).

4. Filstrup, 1976, p. 440.

نظری و تاریخی کار اسمیت رنج می‌برد، داده‌های زیادی دارد، اما تحلیلی نیست و موفقیت‌ها و دستاوردهای این برنامه را در چارچوب نظریه مدرنیزاسیون می‌بیند. فیلستروپ برای نوشتن این مقاله از منابع متعددی از جمله کتاب لوکلیر، گزارش طراحان و مدیران برنامه کتاب فرانکلین، مصاحبه و مکاتبه با تعدادی از سرمایه‌گذاران و کارمندان شعبه تهران بهره گرفته است. در سال ۱۳۵۸، تنها دو ماه پس از انقلاب اسلامی ایران، ژاله یادگار از پایان‌نامه ارشد خود در ارتباط با برنامه کتاب فرانکلین در ایران دفاع کرد. این پایان‌نامه یک مرور کلی و اجمالی بر فعالیت‌های شعبه تهران عمدتاً بر اساس مصاحبه با کارمندان این مؤسسه است.

در سال‌های اخیر توجه بیشتری به مطالعه برنامه کتاب فرانکلین در بستر جنگ سرد فرهنگی جلب شده است. برای نمونه، لوئیس. اس. رایبیز گزارش مختصری از چگونگی تأسیس و تاریخچه این برنامه بر مبنای بایگانی‌های موجود در دانشگاه پرینستون نوشته است. او اذعان کرده که نتوانسته منابع مرتبط با کشورهای هدف این برنامه را مورد بررسی قرار دهد: «بدون بررسی گسترده منابع موجود در این کشورها و همچنین بدون مصاحبه با افرادی که در ایران یا سایر کشورهای محل مأموریت این برنامه زندگی کرده‌اند، هر نوع قضاوت واقع‌گرایانه تأثیرات این برنامه، از هر نظر غیرممکن است».^۱ تلاش او برای توجه به بسترهای فرهنگی برنامه کتاب فرانکلین در دوران جنگ سرد قابل توجه است، اما منابع او تنها به مصاحبه با مدیران اصلی این برنامه محدود باقی مانده‌اند. آماندا لاگسن^۲ در ابتدا در مقاله‌ای کوتاه به بررسی چندین برنامه کتاب، از جمله برنامه کتاب فرانکلین، که توسط آمریکا در دوران جنگ اداره می‌شدند، پرداخته است. در ادامه، لاگسن در سال ۲۰۱۷ کتابی را به برنامه فرانکلین اختصاص داد که مهم‌ترین خدمت در زمینه فهم این برنامه از دریچه امپریالیسم فرهنگی است. لاگسن به‌طور خاص نقش ناشران آمریکایی را در برنامه فرانکلین بررسی و عملکردهای فرانکلین را به‌صورت تاریخی گزارش کرده است. بررسی دقیق عملکرد فرانکلین در ایران به‌طور قطع

1. Robbins, 2007, p. 648.

2. Laugesen, 2012.

مطالعه لاگسن را تکمیل می‌کند.^۱

برنامه ترجمه معین، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت برنامه کتاب فرانکلین محسوب می‌شود و اخیراً توجهات زیادی را در حوزه مطالعات ترجمه به خود جلب کرده است. حدادیان مقدم ضمن بررسی کتاب‌های ترجمه‌شده توسط شعبه تهران، به بررسی عوامل سیاسی مؤثر در اشاعه ادبیات جهانی در دوره جنگ سرد می‌پردازد. او به واسطه بررسی مواردی از مذاکرات میان مدیران برنامه و کارمندان شعبه تهران در مورد رعایت حقوق مؤلفین، به اثرگذار بودن کارمندان بومی در فرایند انتخاب عناوین تأکید دارد. از نظر او گرچه «قرائت تبلیغاتی» از برنامه کتاب فرانکلین به عنوان زمینه لازم است، اما کافی نیست.^۲ او با بیان چند مورد از اثرگذاری کارمندان بومی در شعبه تهران، معتقد است که آنها «یک دستگاه تبلیغاتی خارجی» را به چیزی «مفید و مؤثر» تبدیل کردند.^۳

کارهای الرباعی^۴ و عسیری^۵ یکی از جامع‌ترین کارهایی است که در مورد برنامه ترجمه معین در جهان عرب، صورت گرفته است. مطالعه الرباعی بر پایه بررسی دو مجموعه بایگانی صورت گرفته است: بایگانی‌های برنامه کتاب فرانکلین مرتبط با عملکرد آن در جهان عرب و همچنین بررسی بیش از صد مقدمه نوشته‌شده به زبان عربی برای ترجمه‌های این مؤسسه. الرباعی برنامه کتاب فرانکلین را در چارچوب سایر اقدامات ایالات متحده در جریان جنگ سرد برای ساختن تصویر مثبت از خود، قرار می‌دهد. البته کار او از این جهت که به شکل‌گیری دانش ما از ترجمه‌های برنامه کتاب فرانکلین در جهان عرب کمک می‌کند، بسیار ارزنده است؛ اما نهایتاً تنها توانسته یکی از فعالیت‌های این مؤسسه یعنی ترجمه را تنها در گستره جغرافیایی جهان عرب بررسی کند. در مقابل، کار عسیری تنها به بررسی تأثیر دخالت‌های مستقیم دولت آمریکا در اداره برنامه ترجمه معین در کشور مصر پرداخته است.

1. Laugesen, 2017.

2. Haddadian-Moghaddam, 2016, p. 386.

3. Ibid., p.386.

4. Arrabai (2019).

5. Asiri (2021).

کارهایی پژوهشی که تاکنون به این موضوع پرداخته‌اند، به‌ندرت به نتایج و پیامدهای بلندمدت اجرای برنامه کتاب فرانکلین توجه نشان داده‌اند و اینکه روشنفکران بومی نسبت به این اقدامات چه احساس و برداشتی داشته‌اند را مورد ارزیابی قرار نداده‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم، همزمان با ظهور امپریالیسم آمریکایی و شکل‌گیری دولت‌های ملی‌گرای تازه‌تأسیس، آثار فراوانی با مضامین و محتواهایی در مخالفت با امپریالیسم آمریکا در جهان سوّم اشاعه پیدا کرده بود. در ایران ردّ پای چنین مضامینی را می‌توان در آثار منظوم و مثنوی، فیلم‌ها و جنبش‌های کارگری و دانشجویی پیدا کرد. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ جنبش دانشجویی در ایران رادیکال‌تر شد و این موضوع به همراه آرمان‌های بین‌المللی این جنبش، باعث شکل‌گیری شبکه‌ای فراملی شد، اتفاقی که به عقیده برخی در ایجاد فرهنگ مخالفت و مقاومت در آمریکا و اروپای دهه ۱۹۶۰ میلادی تأثیر داشت.^۱ انجام یک مطالعه گسترده در مورد مخالفت با فرهنگ امپریالیستی آمریکا در ایران بسیار ضروری است، اما در این کتاب تنها به نقدها در زمینه برنامه کتاب فرانکلین پرداخته می‌شود.

جلال آل‌احمد، روشنفکر مشهور و مترجم سابق شعبه تهران، که از نفوذ و سلطه برنامه کتاب فرانکلین بر فضای نشر ایران ناراضی بود، کتاب غرب‌زدگی را در سال ۱۳۴۰ نوشت، کتابی که بعدها به یکی از متون کلاسیک و الهام‌بخش در ادبیات ضدّ امپریالیستی ایران مبدل شد. در بحث خود نشان خواهم داد که چگونه همکاری شخصی و فکری جلال آل‌احمد با شعبه تهران که بعدها به دلسردی و آزرده‌گی‌اش انجامید، در نوشتن این کتاب سهم داشته است. آل‌احمد معتقد بود که برنامه‌های ترجمه در روند «تسخیر» فرهنگ غربی ناموفق بوده‌اند و ناشران در حال همدستی با نظام امپریالیستی و حاکمان خودکامه پهلوی هستند. او پیشنهاد می‌داد که مذهب و علمای دینی نقش پررنگ‌تری در سیاست ایفا کنند، چرا که آنها توانایی مقابله با فرهنگ امپریالیستی را خواهند داشت. هرچند می‌توان گفت که اندیشه‌های آل‌احمد در طول زندگی‌اش در حال تغییر

و تبدیل بوده‌اند، با اینحال، پیشنهاد فوق‌الذکر او در شکل‌گیری نوعی گفتمان اسلامی ضد غربی و ضد امپریالیستی در انقلاب اسلامی در سال ۵۷ ایران مؤثر بود. اندک زمانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، اموال و دارایی‌های باقیمانده از دفتر تهران مصادره شد، دفتر این مؤسسه نیز پس از بازسازی، با نام دفتر تبلیغات اسلامی به کار خود ادامه داد.

منابع اولیه و جمع‌آوری داده‌ها

برای مطالعه و بررسی نقش فعالیت‌های برنامه کتاب فرانکلین، در حوزه نشر کتاب، صنعت چاپ و سیاست‌گذاری‌های آموزشی در خاورمیانه و ایران، از منابع و داده‌های زیر بهره گرفته شده است:

یکم. بایگانی‌ها و اسناد متعلق به برنامه کتاب فرانکلین: تمامی بایگانی‌های مربوط به این شرکت در مجموعه کتاب‌های خاص و نادر صنعت نشر آمریکا واقع در کتابخانه دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شوند. این بایگانی شامل تمامی صورتجلسه‌ها، مکاتبات اداری، پیش‌نویس قراردادها، گزارش‌ها، قراردادهای نهایی، عکس‌ها و در مجموع محصول کار ۲۵ ساله این مؤسسه است. این منابع بیشتر به زبان انگلیسی هستند، اما لابه‌لای آنها مکتوباتی به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه و اردو نیز یافت می‌شود. این بایگانی توسط خود این شرکت در سال ۱۹۷۸ به کتابخانه دانشگاه پرینستون هدیه داده شده‌اند و شامل ۲۴۹ محفظه بزرگ، چهار محفظه کوچک، ۲۸ عدد جعبه عکس در قطع ۸ در ۱۰، ۶ جعبه در قطع ۵ در ۸، دو جعبه در قطع ۹ در ۱۲ و یک جعبه به اندازه ۱۴ در ۱۸ است. دو جعبه میکروفیش و سه جعبه سفارشی‌ساز در این آرشیو وجود دارند.

هدف از بررسی این منابع، درک رابطه میان برنامه کتاب فرانکلین با روشنفکران و رهبران مدنی کشورهای هدف بوده است. این منابع همچنین به کار مستند کردن تاریخی‌سازی روابط میان اعضای این برنامه با نخست‌وزیران، رؤسای جمهور، وزرا و سفرا، سناتورها، قاضی‌ها و مسئولان آموزشی ایران، مصر، اندونزی، لبنان و پاکستان کمک کرده است. این مجموعه شامل مکاتبات میان دست‌اندرکاران و مشاوران پروژه‌های بین‌المللی است. نام برخی از انجمن‌های مشاور برنامه فرانکلین

بدین قرار است: شورای آموزش بزرگسالان،^۱ شورای آموزش آمریکا،^۲ دوستداران آمریکایی خاورمیانه،^۳ مؤسسه ناشران کتاب‌های درسی آمریکایی،^۴ اتحادیه نظارت و توسعه برنامه درسی،^۵ اتحادیه ناشران کتاب‌های دانشگاهی آمریکایی،^۶ شورای چاپ کتاب در زمان جنگ،^۷ آموزش و روابط بین‌الملل،^۸ کتابخانه بین‌المللی جوانان^۹ و سازمان یونسکو: اقتصاد چاپ کتاب در کشورهای در حال توسعه^{۱۰} این بایگانی‌ها همچنین شامل مستندات مربوط به مکاتبات این برنامه با بنیادهایی همچون فور و راکفلر نیز هستند، مستنداتی که به فهم ارتباط میان این برنامه با آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا^{۱۱} و سازمان اطلاعات ایالات متحده^{۱۲} این کشور کمک می‌کند. ارتباطی که فراتر از مسائل مالی اهمیت دارد و نقش سازمان اطلاعات آمریکا را در فرایند انتخاب عناوین کتاب و نقش نهاد توسعه روابط بین‌الملل را در فرایند تربیت معلمان آشکار می‌سازد.

بایگانی‌های این برنامه به شکل اصولی و یکدست جمع‌آوری نشده‌اند، به‌ویژه آنکه برخی از مدارک به‌درستی جاگذاری نشده‌اند. کتابخانه دانشگاه پرینستون در توضیحی در مورد این اسناد نوشته است: مدیرعامل سابق این مؤسسه، جک کایل^{۱۳} به جایگذاری اشتباه فایل‌ها اعتراف کرده و تقصیر آن را به گردن کارمندان این مؤسسه انداخته است.

باید اشاره کنم که در مطالعه و بررسی این بایگانی، مخصوصاً در واکاوی گزارش‌های سالیانه این برنامه، از تأثیرات غلبه گفتمان مدرنیزاسیون آگاه بودم و به معنای دقیق کلمه، در فرایند استخراج داده‌های تاریخی، هیچ علاقه‌ای برای تکرار و واگویی گزارش‌های سازمانی مبالغه‌آمیز مدیران ارشد این برنامه

1. Adult Education Association (1961-1971).

2. American Council on Education (1953-1967).

3. American Friends of the Middle East (AFME) (1951-1968).

4. American Textbook Publishers Institute (ATPI) (1952-1966).

5. Association for Supervision and Curriculum Development (ASCD) (1969-1971).

6. Association of American University Presses (AAUP) (1953-1976).

7. Council on Books in Wartime (1965).

8. Education and World Affairs (1964-1968).

9. International Youth Library (1957-1971).

10. UNESCO: Economics of Book Publishing in Developing Countries (1965-1977).

11. United States Agency for International Development (USAID).

12. United States Information Agency (USIA).

13. Jack Kyle

نداشتم. در مقدمه به طور دقیق تری توضیح خواهم داد که چگونه از رویکرد مارکسیست فمینیستی دوروتی اسمیت^۱، در تحلیل متنی روابط سازمانی برای شناسایی تأثیرات احتمالی گفتمان‌های خاص در شکل‌گیری این متون استفاده کرده‌ام.^۲

دوم. اسناد مکاتبات پیوسته برنامه کتاب فرانکلین در مرکز هری رنسام^۳ در دانشگاه تگزاس آستین: از تمامی مکاتبات و تلگراف‌های میان دفتر مرکزی برنامه کتاب فرانکلین و دفتر محلی در سال ۱۳۵۶ دو سری کپی گرفته شده است. سری اول این مکاتبات، در آرشیو دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شوند و دارای نظم الفبایی هستند، اما سری دوم آنها بر مبنای نظم تاریخی در دانشگاه تگزاس نگهداری می‌شوند. تمامی مستندات این مجموعه به دقت شماره خورده‌اند. همچنین آن دسته از مواردی که از نگاه کتابخانه دانشگاه پرینستون، ارزش ذخیره شدن نداشتند، توسط مرکز هری رنسام جمع‌آوری و در حال حاضر در دانشگاه تگزاس شهر آستین نگهداری می‌شوند.

سوم. اسناد سازمان امنیت ملی و پروژه بین‌المللی تاریخ جنگ سرد: در مطالعه تاریخ جنگ سرد، دو منبع بسیار حائز اهمیت هستند: اول، بایگانی‌های سازمان امنیت ملی^۴ واقع در دانشگاه جورج واشنگتن که در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد. دوم، اسناد مربوط به پروژه تاریخ بین‌الملل جنگ سرد^۵ که در سال ۱۹۹۱ در مرکز جهانی وودرو ویلسون^۶ تأسیس شد. هر دو این مجموعه‌ها دارای اطلاعات دسته‌بندی‌شده دقیقی در مورد جنگ سرد هستند. مجموعه اول در مورد ماهیت ارتباط میان برنامه کتاب فرانکلین و دولت آمریکا و مجموعه دوم در مورد حساسیت‌های شوروی در مورد این برنامه، اطلاعات درخشانی دارند.

چهارم. اسناد و اطلاعات مربوط به شعبه تهران: شعبه تهران دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تعطیل شد. دارایی‌های این شعبه پس

1. Dorothy Smith

2. Smith, 1999.

3. Harry Ransom Center

4. National Security Archive (NSA)

5. the Cold War International History Project (CWIHP)

6. Woodrow Wilson International Center

از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ مصادره شد. همایون صنعتی‌زاده (۱۳۸۸-۱۳۰۴)، اولین مدیر شعبه تهران برنامه کتاب فرانکلین، اندک زمانی پس از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به اتهام همکاری احتمالی با سازمان سیا دستگیر شد. دادگاه انقلاب اسلامی او را به جرم اشاعه و نشر فرهنگ آمریکایی محکوم شناخت. شرایط نگهداری از اسناد شعبه تهران تحت تأثیر احساسات ضد آمریکایی انقلابیون و مجرم شناختن تعدادی از ناشران فعال در دوران حکومت پهلوی چندان مناسب نبوده است. بسیاری از اسناد در روزهای انقلاب یا بعد از آن، توسط ناشران وحشت‌زده از بین برده شده‌اند. همزمان با نگارش این کتاب، «موزه و مرکز اسناد انتشارات علمی و فرهنگی» در ۳ خرداد ۱۴۰۰ تأسیس شد و چهار دهه پس از تعطیلی شعبه تهران، بسیاری از اسناد و اطلاعات این مرکز به نمایش گذاشته شده‌اند. اطلاعات به نمایش گذاشته شده در این مرکز می‌توانند شرایط را برای انجام تحقیق در حوزه صنعت نشر مدرن ایران فراهم کنند.

پنجم. اسناد مربوط به ساواک و سفارت آمریکا در ایران: دو مجموعه مهم از اسناد و اطلاعات، پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در دسترس پژوهشگران قرار گرفت، اسناد مربوط به ساواک و همچنین بایگانی‌های سفارت سابق آمریکا در ایران. اطلاعات موجود در این مجموعه‌ها برای این مطالعه بسیار حائز اهمیت هستند. «مرکز بررسی اسناد تاریخی» تا کنون چندین جلد از اسناد و بایگانی‌های مربوط به ساواک را به صورت موضوعی منتشر کرده است. هر کدام از کتاب‌های منتشرشده توسط این سازمان، دارای موضوعی خاص هستند، مثلاً در یکی از آنها اسناد مربوط به رابطه میان ایران و شوروی در دوره پهلوی منتشر شده است. «دانشجویان پیرو خط امام»، پس از تصرف سفارت آمریکا در ایران، به ترجمه و انتشار اسناد آنجا اقدام کردند. من در بررسی آنها قواعد مربوط به ارزیابی انتقادی را رعایت کردم. بررسی این متون برای تاریخی‌سازی و تحلیل «دیپلماسی فرهنگی» ایالات متحده و شوروی در ایران و در مقابل شناسایی نحوه مواجهه ساواک با این فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی اهمیت زیادی دارد.

ششم. مصاحبه با کارمندان بومی: گفت‌وگوها و خاطرات کارمندان شعبه تهران در نوشتن و تاریخی‌سازی این اثر سهم مؤثری داشته‌اند. مخصوصاً مصاحبه سیروس علی‌نژاد با همایون صنعتی‌زاده^۱، اولین مدیر شعبه تهران که توانست در دوره مدیریت خود این مجموعه را به مهم‌ترین و موفق‌ترین شعبه خارجی برنامه کتاب فرانکلین تبدیل کند. البته باید در نظر داشت که مصاحبه‌کننده قصد به چالش کشیدن صنعتی‌زاده را نداشته است، با اینحال، پاسخ‌های صنعتی‌زاده دربردارنده روایت‌های او از دوران تأسیس و توسعه این برنامه در تهران است. علی‌نژاد با چهار تن دیگر از کارمندان این شعبه نیز مصاحبه کرده است، روایت‌هایی که به فهم اوضاع و احوال مالی، اجرایی و تاریخ فکری این مؤسسه کمک می‌کنند.

هفتم. زندگینامه‌ها و شرح حال‌نویسی‌ها: چند خاطره‌نویسی از کارمندان و همکاران سابق شعبه تهران در دسترس است. برای نمونه، خاطرات عبدالرحیم جعفری، مدیر انتشارات امیرکبیر، یکی از معتبرترین انتشارات آن دوره، با توجه به روابط نزدیکی نیز که با کارکنان شعبه تهران داشته است، حاوی اطلاعات ارزشمندی است. برای این پژوهش، خاطرات نجف دریابندری (سرویراستار شعبه تهران)، کریم امامی (سرویراستار شعبه تهران)، عبدالرحیم آذرنگ (ویراستار شعبه تهران) و پیروز کلاتری (طراح کتاب شعبه تهران) نیز مورد توجه و واکاوی قرار گرفته‌اند.

هشتم. کتاب‌های درسی، ترجمه‌ها و مجلات منتشرشده توسط شعبه تهران: همانطور که قبلاً هم اشاره شد، برنامه کتاب فرانکلین در طول ۲۵ سال فعالیت خود، بیش از ۸۰۰ کتاب ترجمه و چاپ کرد. این مؤسسه همچنین در همکاری با وزارت آموزش ایران، مرکز انتشارات آموزشی را تأسیس کرد. هدف این مرکز آماده‌سازی، انتشار و توزیع عمده کتاب‌های کمک‌آموزشی برای کودکان، نوجوانان و جوانان بود. این مرکز همچنین قصد تربیت معلمان را داشت. نتیجه این فعالیت‌ها را می‌توان در انتشار مجموعه‌ای از نشریات آموزشی به نام «پیک» ردیابی کرد. این کتاب‌ها و نشریات تنها محتواهای آموزشی و فرهنگی در دسترس کودکان در

۱. کتاب از فرانکلین تا لاله زار: زندگینامه همایون صنعتی‌زاده، متن مصاحبه‌های سیروس علی‌نژاد با صنعتی‌زاده است که در سال ۱۳۹۵ توسط نشر ققنوس به چاپ رسیده است.

شهرهای کوچک و روستاها بودند. میزان گستردگی این آثار بسیار قابل توجه بود، بر اساس گزارش سالیانه برنامه کتاب فرانکلین، در سال ۱۳۵۱ حدود ۱۱ میلیون جلد از این کتاب‌ها و نشریات در سراسر کشور پخش و توزیع شده بودند. در این پژوهش، من حدود ۵۵۰ شماره از «پیک»‌هایی را که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ منتشر شده‌اند، مطالعه و بررسی کرده‌ام. البته مطالعه و تحلیل مفصل «پیک معلمان و خانواده» و مجله «آموزش و پرورش» از حوصله این کار خارج بود. اما در نهایت باید گفت که مطالعه و تحلیل محتوای این مجلات، کتاب‌ها و ترجمه‌ها برای ارزیابی انتقادی شعبه تهران و نظام دانش تولیدشده توسط آن که تحت حمایت برنامه سوادآموزی عمومی دولت قرار داشت، بسیار ضروری و ارزشمند است.

چهارچوب نظری

از حیث نظری، این مطالعه و ام‌دار رویکردهای ماتریالیسم تاریخی دیالکتیکی مارکسیستی است. در واقع، این پژوهش برای تاریخی‌سازی و تحلیل برنامه کتاب فرانکلین و نفوذ امپریالیستی آن در جریان جنگ سرد از این سنت نظری بهره گرفته است. بنابراین مهم است که دو مفهوم «امپریالیسم» و «امپریالیسم فرهنگی» را به لحاظ نظری واکاوی کنیم.

مفهوم امپریالیسم در اواخر قرن نوزدهم و در زمینه نظام روابط اجتماعی ناشی از مبادلات استعماری و قوانین سازمان‌یافته متأثر از آن، ساخته و پرداخته شد. در اوایل قرن بیستم، دلالت ضمنی این مفهوم در کارهای نویسندگانی همچون هابسون، لوکزامبورگ، بوخارین و لنین ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. در مفصل‌بندی این نویسندگان از این مفهوم، امپریالیسم مدرن محصول دوره خاصی از توسعه نظام سرمایه‌داری، یعنی ظهور سرمایه‌داری مالی، است.^۱ تمامی این نویسندگان ظهور امپریالیسم را با توسعه نظام سرمایه‌داری در اروپا و ایالات متحده مرتبط دانسته‌اند. مطالعات تاریخی آنها نشان می‌دهد که در نتیجه توسعه سرمایه‌داری، نظام تولید در

کشورهای توسعه یافته به شکل فزاینده‌ای به مواد خام و بازارهای جدید برای فروش کالاهای مازاد خود، نیاز پیدا کردند. از نگاه لنین نیز، امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری است، او معتقد بود که گرایش سرمایه‌داری بازار آزاد به انحصارگرایی، باعث تغییر شکل آن به امپریالیسم شده است.

در جریان این پژوهش، همین معنای ضمنی از امپریالیسم، یعنی متأخرترین مرحله از نظام سرمایه‌داری، را مد نظر دارم. «این مرحله از پیشرفت نظام سرمایه‌داری، در ایجاد بازارهای انحصاری در صنایع بزرگ، شکل‌دهی به 'سرمایه مالی' از طریق ظهور سرمایه مالی و بانکی، گسترش صادرات سرمایه، شکل‌دهی به بازارهای انحصاری جهانی و تقلای دولت‌های امپریالیستی برای تقسیم دوباره جهان به حوزه‌های نفوذ خودشان، با مراحل پیشین تفاوت دارد.»^۱ بنابراین در این نوع مفهوم‌پردازی، امپریالیسم فقط مجموعه‌ای از سیاست‌گذاری‌های خارجی نیست، بلکه بیشتر نظامی از روابط اجتماعی ریشه‌دار در سرمایه‌داری معاصر است و به‌طور مستقیم با استراتژی‌های انباشت سرمایه پیوند دارد.^۲

پایان جنگ جهانی اول را به عنوان نقطه عطفی در مرحله رشد اولیه، ادغام و تثبیت امپریالیسم به عنوان بخشی از نظام جهانی می‌شناسند. با اینحال، درست همانند رشد اولیه در مراحل پیشین نظام سرمایه‌داری، این مرحله نیز به‌هیچوجه صلح‌آمیز طی نشد. ۳۷ میلیون نفر در جریان جنگ کشته و زخمی شدند و چهار امپراطوری بزرگ اتریش و مجارستان، عثمانی، روسیه و آلمان سقوط کردند.^۳

تحولات پس از جنگ جهانی اول، شکل‌گیری سازمان ملل متحد، پایان حکمرانی استعماری، شناسایی حق تعیین سرنوشت، به بازسازی و طرح‌ریزی دوباره امپریالیسم کمک کردند. همچنین موقعیت ایالات متحده پس از اتمام جنگ، بسیار منحصربه‌فرد بود و در جهش چشمگیر این کشور نقش داشت. قبل از این دوره، تاریخ امپریالیسم بیشتر رقابتی میان چند دولت با توان نسبتاً قابل‌قیاس سیاسی، اقتصادی و نظامی‌شان بود، پس از جنگ جهانی دوم اما امپریالیسم بیشتر با

1. Mojab, 2011, p. 167.

2. McNally, 2005.

3. Saccarelli & Varadarajan, 2015.

نام یک دولت بدون رقیب در داشتن قدرت اقتصادی و نظامی گره می خورد. بعد از جنگ جهانی دوم، «ایالات متحده حدود نیمی از ثروت جهان را از آن خود کرد و نزدیک به نیمی از فولاد، پنبه، لاستیک و برق جهان را تولید می کرد. آمریکا همچنین حدود ۶۰ درصد از کالاهای مصنوعی، ۷۰ درصد از نفت و ۸۰ درصد از خودروهای جهان را می ساخت»^۱. در مقابل تمامی اینها، تنها دولتی که توان مقابله داشت، شوروی بود.

پس از جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی سیاست های اولیه انترناسیونالیستی و کمونیستی خود را رها کرد^۲ و به یک قدرت امپریالیستی تغییر شکل پیدا کرد که منافع ملی خود را به کشورهای در حال توسعه تحمیل می کرد، اتفاقی که در چند مورد به تضعیف جنبش های کارگری در این کشورها منجر شد. مقابله ای میان ایالات متحده و شوروی در دوران جنگ سرد، در سطح جهانی در جریان بود و گاهی بروز و ظهورهای فرهنگی پیدا می کرد. در مجموع، گرچه این مواجهه بیشتر یک رویارویی ایدئولوژیک توصیف شده است، اما در واقعیت «جنگ منافع بر سر مسائل استراتژیک و منابع» مهم ترین سائق ادامه این جنگ از سوی هر دو طرف آن بود.^۳

طی سال های گذشته علاقه به نظریه «امپریالیسم فرهنگی» احیا شده است، آن هم پس از چندین دهه که این نظریه به واسطه تفوق گفتمان های جهانی شدن، آمیختگی فرهنگی و فرافرنگ گرایی چندان مورد توجه قرار نمی گرفت.^۴ افزایش اقبال به مطالعه تاریخی جنگ سرد فرهنگی نیز بر علاقه به بررسی روش ها، سیاست ها و شبکه های اجتماعی ایالات متحده در اعمال امپریالیسم فرهنگی اش، تأثیر داشته است. اصطلاح «امپریالیسم فرهنگی» به دهه ۱۹۲۰ (۱۳۰۰ شمسی) بازمی گردد، اما محبوبیت آن میان روشنفکران در دهه ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ شمسی) شدت گرفت و در آثار پژوهشگرانی همچون گالتونگ^۵ راه باز کرد. این مفهوم از سال های

1. Saccarelli & Varadarajan, 2015, p. 143.

2. Saccarelli & Varadarajan, 2015.

3. Khalidi, 2009, p. 5.

۴. برای نمونه می توان به کارهای Salih, 2020; Boyd-Barrett, 2015 اشاره کرد.

5. Galtung

دهه ۱۹۴۰ توسط متفکران حوزه‌های مختلف استفاده شده است.^۱ استفاده متفاوت از کاربرد این اصطلاح به مفصل‌بندی‌های متفاوت دو مفهوم «امپریالیسم» و «فرهنگ» بازمی‌گردد.^۲ تا بدین جا من در مورد کاربرد مفهوم «امپریالیسم» صحبت کرده‌ام و در ادامه به مفهوم «فرهنگ» خواهم پرداخت.

فرهنگ یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم علوم اجتماعی است. ویلیامز معتقد است که این امر تا حدودی به توسعه تاریخی پیچیده این واژه در زبان‌های مختلف اروپایی مربوط است و بیشتر به این بازمی‌گردد که این مفهوم اکنون در چندین شاخه فکری متمایز و مغایر، محوریت پیدا کرده است.^۳ او سه دسته‌بندی فراگیر از مفهوم فرهنگ ارائه می‌کند؛ اول، فرایند عمومی رشد و توسعه فکری، معنوی و زیبایی‌شناختی. دوم، یک شیوه خاص از زندگی مردم و اجتماعات مختلف. سوم، کارها و فعالیت‌های فکری و هنری.^۴ کاربرد دوم و سوم از فرهنگ، در ادبیات مربوط به «امپریالیسم فرهنگی» مدنظر بوده‌اند.^۵

در انجام این پژوهش، برداشت‌های مارکسیستی از مفهوم «امپریالیسم فرهنگی» را که بر اساس فهم دیالکتیکی از ارتباط میان نظم اجتماعی و نظریاتی است که به جهت حفظ آن تولید می‌شوند، به کار بسته‌ام. در مارکسیسم، فرهنگ به عنوان بخشی از روبنا که دارای رابطه دیالکتیکی درونی با زیربناست، در نظر گرفته می‌شود. روبنا شامل پدیده‌هایی نظیر دولت، ایدئولوژی، آموزش، رسانه‌های جمعی، علوم، هنر و غیره است. روبناها رابطه دیالکتیکی با زیربنا دارند و به شکل تاریخی توسط آن مشخص می‌شوند و به نوبه خود، زیربنا را در یک دوره تاریخی مشخص، تعیین می‌کنند. بسیاری از مفهوم‌پردازی‌ها از فرهنگ، مسئله اصلی یعنی ارتباط میان نظم اجتماعی و تولید ایدئولوژی را نادیده می‌گیرند، با اینحال، مفهوم‌پردازی دیالکتیکی رابطه پویای میان این دو را بررسی می‌کند، به جای آنکه به شکلی مکانیکی هرکدام را جدا از دیگری بررسی کند. بنابراین، فهم دیالکتیکی از رابطه

۱. برای نمونه می‌توان به کارهای Schiller, 1976; Fejes, 1981; Said, 1984; Kraidy, 2005 اشاره کرد.

2. Tomlinson, 1991.

3. Williams, 1983, p. 87.

4. Williams, 1983.

5. Tomlinson, 1991.

میان زیربنا و روبنا به ما کمک می‌کند که در مورد رابطه میان ایدئولوژی و امپریالیسم نظریه‌پردازی کنیم. من با استفاده از نظریات بنرجی^۱، ایدئولوژی را نوعی از تفکر می‌دانم که نظام روابط اجتماعی جامعه سرمایه‌داری را از طریق پنهان کردن ماهیت حقیقی آنها، میانجی‌گری می‌کند و معنا می‌بخشد. در واقع ایدئولوژی توجیهاتی را در دفاع از روابط اجتماعی حاکم تولید می‌کند.

اولین توضیح مارکس از ایدئولوژی در کتاب *ایدئولوژی آلمانی*^۲ آمده است، کتابی که او همراه با فردریش انگلس در سال ۱۸۴۶ میلادی نوشته است. به نظر آنها عقاید حاکم در هر دوره تاریخی بازتابی از افکار و عقایدی است که توسط طبقه حاکم تولید و توزیع می‌شود. حاکمیت به عنوان یک طبقه، در حوزه دانش نیز اعمال حاکمیت می‌کند. بنابراین «در کنار سایر موارد، به عنوان متفکران و تنظیم‌کنندگان تولید و چرخش ایده‌ها در عصر خود اعمال حاکمیت می‌کنند؛ به این دلیل، عقاید آنها، عقاید و افکار حاکم عصر آنهاست»^۳ از نگاه مارکس ایدئولوژی همان آگاهی مخدوشی است که در نظام اجتماعی تولید می‌شود تا ماهیت حقیقی روابط سرمایه‌دارانه را پنهان کند. ایدئولوژی واقعیت را به شکل تکه‌تکه‌شده و ناقص توضیح می‌دهد و تناقض‌های تاریخی خاص و دیالکتیکی نظام سرمایه‌داری را وارونه جلوه می‌دهد.^۴ ایدئولوژی بر واقعیت رابطه میان افکار حاکم و طبقه حاکم پرده می‌اندازد و این کار را به شکل خشنی با زمینه‌زدایی و مجرد کردن افکار از منشأ اجتماعی‌شان انجام می‌دهد. به بیان دیگر، ایدئولوژی، افکار حاکم را از طبقه حاکم جدا می‌کند و در ادامه توجیهاتی برای روابط تولید می‌کند. ایدئولوژی، روابط اجتماعی سرمایه‌داری را از طریق پنهان کردن ماهیت واقعی آنها میانجی‌گری می‌کند. مارکسیست فمینیست‌هایی همچون اسمیت، بنرجی، مجاب و کارپنتر، از نقد مارکس بر ایدئولوژی بهره گرفته‌اند تا نقش ارزش‌ها، عقاید پدرسالارانه و نژادپرستانه را در میانجی‌گری و تنظیم روابط سرمایه‌داری توضیح دهند.^۵

اسمیت در ادامه سنت نظری مارکس و انگلس، در کار مردم‌نگاری نهادی خود

1. Bannerji

2. The German Ideology (1846).

3. Marx & Engels, 1998, p. 67.

4. Allman, 2007, p. 77.

5. Smith, 1987; Bannerji, 2003; Bannerji, 2015; Carpenter & Mojab, 2017.

از فرایندهای مادی زندگی آغاز می‌کند. او پیشنهاد می‌دهد که پژوهش‌های اجتماعی «باید با بررسی افراد، تجارب واقعی آنها و کنش‌هایشان در برابر دیگران» شروع شوند.^۱ نحوه تحلیل اسمیت از گفتمان و متن در مردم‌نگاری نهادی برای این مطالعه حائز اهمیت است. اسمیت علاوه بر به کار بستن برداشت فوکویی مرسوم از گفتمان که در تحلیل کردن اشکال مختلف قدرت حک شده در زبان و متن کارآمد است، به بررسی نقش گفتمان و متن در میانجیگری روابط اجتماعی می‌پردازد. بنابراین در رویکرد اسمیت، گفتمان تنها بدنه دانش خارج از افراد نیست، بلکه «آرایش خاصی از روابط اجتماعی است که مردم نیز به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در آن حضور دارند».^۲ این امر بدین معناست که در یک سازمان اجتماعی، متن‌ها و گفتمان‌ها و رفتارهای افراد را «هماهنگ» کرده و روابط بین «افراد و دانش» را «تنظیم» می‌کند.^۳ درست است که نظریه پردازی اسمیت به قصد مردم‌نگاری از نهادها پرورده شده است، اما چنین فهم ماتریالیستی تاریخی از گفتمان، برای مطالعه اسناد یک سازمان و نقش آن در تولید دانش مفید است. اسناد مربوط به یک سازمان قابلیت آشکارسازی گفتمان و روابط حاکم بر آن سازمان را دارند. متون سازمانی و نهادی همچنین کمک می‌کنند تا چگونگی پیوند افراد به روابط اجتماعی خاص سازمان‌ها کشف شود. به بیان دیگر، این متون به عنوان «نظم‌دهنده و آرایش‌دهنده روابط اجتماعی» عمل می‌کنند.^۴

نگاه مارکسیستی به مفهوم امپریالیسم فرهنگی از جهات دیگری نیز واجد اهمیت است. نظریات مارکسیستی در تاریخی‌سازی آموزش در بطن روابط اجتماعی امپریالیستی و همچنین در نظریه پردازی در مورد روابط میان حکومت، آموزش و امپریالیسم کارساز هستند. از نظر تاریخی، گسترش آموزش و نظام مدرسه در بستر نظام امپریالیستی، نظام استعماری و بر ساختن دولت ملت شکل گرفته‌اند. آموزش و نظام مدرسه در شکل فعلی آن را نمی‌توان جدا از چنین بسترهایی تحلیل کرد، چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای جهان سوم.

1. Carpenter & Mojab, 2017, p. 99.

2. Ibid., p. 101.

3. Ibid., p. 102.

4. Ibid.

آموزش رسمی غربی در نتیجه سلطه امپریالیستی کشورهای غربی وارد کشورهای بسیاری شد. به بیان مارتین کارنوی، «قدرت‌های امپریالیستی تلاش کردند تا از طریق نظام مدرسه، مستعمره‌نشین‌ها را برای نقش‌هایی تربیت کنند تا در آینده مستعمره‌نشین‌های بهتری باشند»^۱

نهاد حکومت مهم‌ترین نهاد مرتبط با مسئله آموزش است. بنابراین داشتن رویکردی نظری که بتواند ارتباط میان این دو را مفصل‌بندی کند، در فهم نظری رابطه میان آموزش و امپریالیسم مؤثر خواهد بود. چنین بررسی‌ای ارتباط مهم میان ساختار قدرت اجتماعی و آموزش را روشن می‌سازد.^۲ نظریه آموزشی لیبرال، حکومت را همچون نهادی مستقل و خودبسنده از ساختار طبقاتی، در نظر می‌گیرد، نهادی بی‌طرف که به خیر جمعی و منفعت عمومی تمامی شهروندان می‌اندیشد و در راستای ارتقای آنها عمل می‌کند. در مقابل، نظریه آموزشی مارکسیستی، مدعی است که حکومت‌ها در جوامع سرمایه‌داری اساساً طبقاتی هستند و بنابراین «نظام آموزشی آنها نیز چنین ساختاری دارد تا قدرت حکومت و نظام اقتصادی‌ای را که بر آن استوار است، بازتولید کند»^۳

علاقه حکومت‌ها به ترویج برنامه‌های سوادآموزی عمومی نیز محصول توسعه سرمایه‌داری و نیازش به تقسیم کار بیشتر است. ترویج و توسعه برنامه سوادآموزی عمومی در جوامع سرمایه‌داری تلاشی معطوف به درونی‌سازی روابط اجتماعی این نظام برای شهروندان است. تقسیم کار هم پیش‌شرط و هم محصول توسعه سرمایه‌داری است، در چنین حالتی آموزش برای تثبیت نظم اجتماعی و فرایند انباشت سرمایه نقشی بسیار حیاتی ایفا می‌کند.

پژوهش‌های تاریخی در اینگونه موضوعات باید ارتباط دیالکتیکی میان امپریالیسم، حکومت و نهاد آموزش را مستند کرده و جزئیات بخشند. مطالعه تاریخ برنامه کتاب فرانکلین به ما در بررسی روابط اینها در دوران جنگ سرد کمک می‌کند.

1. Carnoy, 1974, p. 3.

2. Mojab, 1991.

3. Ibid., p. 3.